

رمزگشایی از ۳۰ میلیارد دلاری که برنگشت

وقتی صحبت از عدم بازگشت ۳۰ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات می‌شود؛ این حقیقت بیان می‌شود که با استفاده از نیروی کار و سرمایه داخلی؛ کالاهایی به ارزش ۳۰ میلیارد دلار (با قیمت‌گذاری روز) تولید و صادرات شده و ارزی معادل آن و یا کالاهایی با همان ارزش‌گذاری (روز) به جای آن وارد کشور نشده است. کیفیت این ۳۰ میلیارد دلار بر تبعات عدم بازگشت آن تاثیر اساسی دارد و نمی‌توان تحلیل یکسانی بر مبنای فقط «۳۰ میلیارد دلار» ارائه داد. به‌عنوان مثال؛ اگر در نقطه صفر مرزی معادنی با ارزش وجود داشته باشد که محصول آن از همان جا مستقیماً صادر شود و فقط ارز آن به اقتصاد برگردد؛ اثری متفاوت بر اقتصاد نسبت به وضعیتی که کالاهایی پیچیده در کل کشور با همان میزان ارزش تولید و صادر شود و ارز آن به اقتصاد برگردد ایجاد می‌شود. اثر عدم بازگشت این دو نمونه هم با یکدیگر متفاوت است. در حالت دوم؛ صادرات کالاهای پیچیده؛ عدم بازگشت ارز و یا کالای معادل (معمولاً واسطه‌ای و سرمایه‌ای مرتبط) به کشور باعث تشنج در نظام تولید کشور می‌شود. اما در مورد حالت اول شدت اثرگذاری کمتر است. پس لازم است تصریح کنیم که اگر جریان ورودی ارز حاصل از صادرات معدنی در نقطه صفر مرزی به کشور مختل شود، صدمات به مراتب کمتری بر اقتصاد وارد خواهد شد تا اینکه ارز حاصل از صادرات کالاهای ساخته شده وارد کشور نشود. زیرا شرکت‌هایی که کالاهای پیچیده تولید می‌کنند دارای روابط گسترده‌ای با طرف‌های خارجی در واردات برخی مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و صادرات مواد ساخته شده هستند. عمده ارز صادرات غیرنفتی به میعانات گازی (اگرچه در سال ۹۷ کاهش ۳۰ درصدی در صادرات داشت) پتروشیمی‌ها، فولاد و مواد معدنی مربوط می‌شود که عمدتاً در تسخیر مدیران دولتی با حوزه اختیار منطقه آزاد - شبه‌دولتی - هستند. پتروشیمی‌ها نزدیک به ۳۲ درصد از سبد صادرات غیرنفتی کشور را شامل می‌شوند و پس از این دو سایر بخش‌ها قرار دارند. همه این اعداد و ارقام یک واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد و آن این است که؛ نخست: خود دولت مالک بخش عمده ارزهای ناشی از صادرات است، و دوم: کالاهای صادراتی عمدتاً با فناوری پایین و ارزش افزوده اندک هستند که فعلاً محل این بحث نیست.

سناریوهای مختلف برای ارزهای گم‌شده

متغیرهای مختلفی وجود دارد که توأمان رقم ۳۰ میلیارد دلاری کسری کنونی را ساخته‌اند که برای فهم بهتر موضوع باید تفکیک شوند. اگرچه این رقم به‌طور قطع کاهش است و با یافته شدن روش‌های مختلف برای بازگرداندن ارزهای حاصل از صادرات که به‌دلیل تحریم‌های آمریکا دچار اختلال در نقل و انتقال شده؛ به‌تدریج روند ورود آنها به داخل آغاز خواهد شد، اما این مساله از اهمیت لزوم کشف واقعیت این رقم؛ به تفکیک عوامل اثرگذار، نمی‌کاهد. نیاز به تکرار نیست که بازگشت ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی به معنی نقل و انتقال پولی نیست و تهاوت؛ وزن قابل توجهی در این نقل و انتقالات دارد.

صادرات ریالی

صادرات قابل توجهی (آمار دقیق وجود ندارد) به عراق به صورت ریالی انجام می‌شود. یعنی صادرکنندگان از طرف‌های عراقی؛ ریال و نه ارزهای خارجی دریافت می‌کنند. قانون ناقص و مخرب نیمه اول سال ۱۳۹۷ که صادرکنندگان را ملزم به ارائه ارز حاصل از صادرات به نرخ نیمایی به دولت می‌کرد باعث شده بود که صادرکنندگان ناگزیر شوند ریال خود را به بازار آزاد برده و دلار ۱۵ هزار تومانی بخرند؛ سپس این دلار ۱۵ هزار تومانی را به نرخ ۸ هزار تومان به دولت تحویل دهند؛ نتیجه اینکه صادرکنندگان با اجاره کارت‌های بازرگانی دیگران به نام آنها صادرات انجام می‌دادند و طبیعتاً صاحبان کارت‌های بازرگانی اجاره داده شده هم ارزی به دولت تحویل نمی‌دادند و برای آنها پرونده تخلف تشکیل می‌شود و یک سری آمارهای ظاهراً هولناک و بی‌معنی در عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات (تاکید مجدد، میزان آن معلوم نیست) و قاچاقچیان صادرکننده شکل می‌گیرد. قوانین و مقررات ضعیف و یا وجودنداشته؛ و به آشوب کشانیدن همان قوانین با بخشنامه‌های رگباری گمرک در سال گذشته ضمن اینکه سنگ‌اندازی رسمی در راه صادرات بود باعث شد که آمارهای رسمی با خطاهای بیشتر همراه شود. اگر مراد اقتصاددانی با عراق به‌طور ریالی ممکن است؛ که هست؛ چرا مقام‌های مسئول برای قابل نظارت کردن آن دست به کار نمی‌شوند و کار را برای فعالان اقتصادی با بخشنامه‌های ناشی از شکم‌سیری دشوار می‌کنند. اصرار بر ایجاد ابهام آماری فقط از دولت اعتدال بر می‌آید که از روز اول با مکانیسم‌های شفاف‌ساز سر ناسازگاری گذاشت.

تحریم‌های بانکی

حجم انبوهی از صادرات به کشورهای مختلف چه به‌صورت نفتی و چه به‌صورت غیرنفتی وجود دارد که صادرکنندگان نمی‌توانند ارز آنها را به دلیل تحریم به داخل و یا به حساب سایر فروشندگان کالا؛ به ایران، انتقال دهند. این معضل حتی درباره کونلون بانک چین هم وجود دارد که کانالی مختص ایران برای دور زدن تحریم‌های آمریکا بود. این رقم‌ها؛ ارزهای بازنگشته به کشور صادراتی؛ فعلاً به عنوان «سرمایه فرار کرده» در دفاتر ثبت می‌شود، اما با یافته شدن راهکارهای عملیاتی برای مشکل به‌تدریج آزاد، صرف واردات شده و یا با روش‌های چندلایه بانکی به داخل منتقل می‌شود. بنابراین به‌طور طبیعی از رقم ۳۰ میلیارد دلار کنونی به‌تدریج کاسته خواهد شد. فرار سرمایه بخشی از سرمایه بازنگشته به کشور به‌طور رسمی در دسته فرار سرمایه می‌گنجد که باز هم میزان آن معلوم نیست و دولت؛ حتی تظاهر به تلاش برای فهمیدن میزان آن هم نمی‌کند، اما با توجه به قرائن قابل توجهی می‌توان گفت که سهم صادرات کالا؛ عمدتاً از مسیرهای قدیمی موجود در آن زیاد نیست. اگرچه لازم به تکرار است که دولت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم صادرکننده اصلی غیرنفتی هم هست. کسانی که به دنبال انتقال سرمایه خود به خارج؛ برای همیشه؛ هستند از راهکاری رسمی استفاده نمی‌کنند و عمدتاً هم کسانی نیستند که زحمت تولید و ایجاد سرمایه به خود داده باشند. و مهمتر اینکه بر درایی‌های خود که با آن کالا و خدمات تولید و صادرات می‌کنند چوب حراج نمی‌زنند (و شواهدی نیست که نشان دهد زده باشند) تا صرف انتقال به خارج کنند. اما به‌ر حال این واقعیت که برخی به دلایل معمول مانند کسی که تصمیم به مهاجرت گرفته و یا فرار به دلیل پیش‌بینی بد از آینده سرمایه خود را از کشور خارج کرده باشد یک واقعیت است که باز هم باید تاکید کنیم؛ دولت ساختاری برای فهم میزان آن ایجاد نکرده است و تصمیم هم ندارد انجام دهد.

صادرکنندگان بزرگ

از آنجا که سهم اصلی در صادرات غیرنفتی به دولت تعلق دارد و یا در بخش‌هایی انجام می‌شود که توسط بی‌نهایت عدد صادرکننده انجام نشده و توسط شرکت‌های مشخص و محدودی انجام می‌شود، به‌سادگی قابلیت رصد و پایش را دارد. اینکه دولت به‌روی خود نمی‌آورد که چند ده کارخانه پتروشیمی کشور که درگیر صادرات هستند چرا ارزهای صادراتی خود را باز نمی‌گردانند، چرا چند کارخانه آهن و فولاد کشور به‌چشم‌پندگی مالی مشغولند و مواردی دیگر؛ و اگر مشکل تحریم دارند که دارند؛ چرا دولت برای حل مشکل کاری نمی‌کند، باعث می‌شود که دولت به‌طور ناخواسته در جایگاه قاچاقچی بزرگ بنشیند.

نتیجه‌گیری

عدم بازگشت ۳۰ میلیارد دلار ارز ناشی از صادرات به کشور به معنای فرار سرمایه نیست، اما مجموعه‌ای شامل فرار سرمایه، صادرات ریالی، قوانین مخرب ضدصادرات و مجبور کردن صادرکنندگان به اتخاذ روش‌های جایگزین، و مشکل ناشی از عدم بازگشت ارز ناشی از صادرات به دلیل تحریم‌ها را شامل می‌شود که وزن دقیق هر یک معلوم نیست. اما به‌طور حتم از میزان این رقم به تدریج کاسته خواهد شد و در نهایت سوال اساسی و همچنان بی‌پاسخ؛ چرا دولت برای شفاف شدن واقعیت آمارهای تجارت خارجی کشور و یافتن روش‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها کاری نمی‌کند؛ و چرا شرکت‌های دولتی ارزهای ناشی از صادرات را به کشور باز نمی‌گردانند و یا تأخیر می‌کنند؟